

## بررسی مبانی و حیانی حفظ محیط زیست

علی رضا انتظاری<sup>۱</sup>

### چکیده

حفاظت از محیط زیست و حمایت و اصلاح و مواظبت بر آن و مسئولیت در قبال آن از موضوعاتی است که رابطه نزدیک و تنگاتنگی با علوم مختلف از جمله علم فقه، حقوق، فلسفه، اخلاق و اقتصاد دارد. چرا که، براساس آموزه‌های دینی، حیات و بقاء بشر، بستگی به حفاظت از محیط زیست داشته و رعایت حقوق عناصر زیست‌محیطی و احترام به حق حیات همه ی موجودات، نباید تنها در برهه‌ای خاص از زمان مدنظر قرار گیرد؛ بلکه انسان می‌بایست خود را پیوسته در طول تاریخ و در برابر آیندگان مسئول بداند و متوجه این امر مهم باشد که هر نوع افراط و یا تفریط در استفاده از منابع و هر گونه بی‌مهری نسبت به طبیعت، اثرات سویی در کل نظام طبیعت خواهد گذاشت. بنابراین، باید به حفظ محیط زیست و عدم تخریب آن به عنوان یک وظیفه الهی نگریست و آسیب به آن را با توجه به منابع فقهی و اصول و قواعد آن، موجب جبران دانست. از این رو در این نوشتار، مبانی دینی حفظ محیط زیست را به روش کتابخانه‌ای و توصیف و تحلیل داده‌های مطالعاتی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

### واژگان کلیدی

تفکر دینی، محیط زیست، انسان، قرآن، طبیعت.

<sup>۱</sup> عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.

### طرح مسئله

محیط زیست و حفاظت از آن و مسئولیت در برابر آن، از موضوعاتی نیست که از ابتکارات دیگران بوده و از علوم و تمدن غرب وارد در علوم و فرهنگ اسلام شده باشد. بلکه حقیقت روشن این است که حفاظت از محیط زیست به علوم زیادی از علوم اسلامی از جمله علم فقه پیوند دارد. (قرضاوی، ۲۰۰۱: ۲۰) بر این اساس، در این نوشتار بر آن هستیم تا رابطه محیط زیست با دین و علوم وحیانی را مورد مطالعه قرار داده و به برخی از آیات و روایات در این زمینه اشاره نمایم.

### رابطه محیط زیست با دین و علوم وحیانی

در تبیین رابطه علوم وحیانی و محیط زیست، ابتدا باید به این نکته پرداخت که دین در برخورد با پدیده‌های زندگی این جهان هستی، چه نگرشی دارد؟ موضوعی که همواره مورد توجه اندیشمندان بوده و بحث‌های دامنه‌داری را به دنبال داشته است.

این نکته از آن جا ناشی می‌شود که بسیاری بحران زیست محیطی را در واقع یک بحران معنوی و دینی می‌دانند و بر این باورند که، جدایی دین از زندگی دنیوی، می‌تواند مهم‌ترین عامل بروز بحران‌های زیست محیطی باشد؛ زیرا بوم‌شناسی انسانی، به شدت تحت تاثیر باورهای انسان نسبت به ماهیت و طبیعت انسان، یعنی دین قرار دارد. با اهمیت یافتن تاثیر باورهای اخلاقی و ارزش‌های مذهبی بر رفتار نسبت به دیگران و از جمله رابطه با سایر موجودات و گیاهان، تاکید بر این است که راه حل بحران‌های زیست محیطی در بازگشت مجدد به سنت ادیان جستجو شود. (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۷) در این رابطه می‌توان به گفتگوهای زیست محیطی در بین ادیان اشاره کرد. برای مثال، گردهمایی بین‌المللی رهبران روحانی و پارلمانی در سال ۱۹۸۸ در آکسفورد، ۱۹۹۰ در مسکو، ۱۹۹۲ در ریو و ۱۹۹۳ در کیوتو که در آن‌ها رهبران ادیان جهان، سیاستمداران و سران کشورها حضور داشتند. در این گردهمایی‌ها، حل بحران‌های زیست محیطی از طریق پیوند علم و دین مطرح گردید و دو نکته اساسی، یکی ارائه تعریفی مجدد از علم و تکنولوژی و دیگری نیاز به برخورداری از یک پایه مذهبی برای فعالیت‌های انسان در مورد زمین مورد تاکید قرار گرفت. (امین زاده، ۱۳۸۱: ۹۸)

نمونه های دیگر، شامل برگزاری پارلمان ادیان جهان در سال ۱۹۹۳ در شیکاگو و در سال ۱۹۹۹ در کیپ تاون، برگزاری سمینار تهران در سال ۲۰۰۱ پیرامون محیط زیست، فرهنگ و دین؛ برگزاری نشست سران جهان و رهبران ادیان در مقر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ و برگزاری اولین همایش اسلام و محیط زیست در سال ۱۳۷۸ در تهران می باشد. بدین ترتیب، باید تعامل مناسب انسان با محیط زیست و راه حل بحران های زیست محیطی را در بازگشت به مبانی دینی و معنوی جستجو نمود. در این زمینه می توان به پژوهش ۳ ساله ۱۰۰۰ دانشمند در مرکز ادیان جهان در دانشگاه هاروارد نیز اشاره کرد که پیرامون ارتباط دین و محیط زیست انجام دادند و در نهایت اعلام کردند که: «ادیان باید از نیروی خود برای پایان دادن به بهره برداری لجام گسیخته انسان از منابع طبیعی و ایجاد روحیه مسئولیت پذیری مشترک برای حفظ محیط زیست استفاده کنند.» (شاه ولی، ۱۳۷۸: ۱۰۱) که بر اساس تعالیم اسلام، رابطه بین انسان، طبیعت و خداوند به شکلی منحصر به فرد و به گونه ای است که تخریب محیط زیست، صدمه رساندن به یک پارچگی عالم هستی و آیات خداوند تلقی می شود و لذا، موانع درونی پایدارتری را برای جلوگیری از صدمه رساندن به محیط زیست فراهم می آورد.

شواهد فوق بیانگر این واقعیت هستند که نسبت به گذشته، بشر آمادگی بیشتری را برای پذیرش تعلیمات ادیان دارد، به صورتی که دیدگاه جهانی نسبت به دین تغییر کرده است و به آن به عنوان عاملی موثر در رفع بحران های زیست محیطی توجه می شود. اما در اسلام نیز با تدبیر و تعقل در منابع فقهی و با توجه به مجموعه ی دستورات الهی، برداشت صحیح این است که دین اسلام در برابر پدیده های زیست محیطی و مسائل مربوط به آن، که ارتباط تنگاتنگی با حیات انسان دارد، موضع سکوت و بی تفاوتی اتخاذ ننموده است، بلکه در تمام آموزه های دینی، مسائل زیست محیطی به گونه ای نقش خود را ایفا می نماید.

در اسلام، جامع ترین دیدگاه و صحیح ترین شیوه تعامل با طبیعت و محیط زیست وجود دارد. خداوند، جهان هستی و همه ی پدیده ها را زیبا، متقن و موزون آفریده و انسان باید رابطه ی خود را با آن ها تصحیح نماید و با تصرفات نادرست خود، آن را ویران و

آلوده ننموده و با تخریب محیط زیست، جامعه را با بلا و مصیبت مواجه نسازد. فقیهان بر این نظرند که شریعت بر جمیع افعال و اعمال انسان‌های مکلف حاکم است، به گونه‌ای که هیچ یک از این امور نیست که تحت یکی از احکام پنج‌گانه در نیاید. لذا آن بر هر چیزی که به حیات و زندگی انسان مربوط است و به تمام امور و شئون او متصل است، شمول دارد.

ارتباط عمیق و وسیع محیط زیست با باورها و احکام دینی بر هر کسی که اندک اطلاعی از مسائل وحیانی اسلام داشته باشد، پوشیده نیست؛ چرا که حفظ محیط زیست و داشتن محیط زیست سالم و مسئولیت در برابر آن را می‌توان از بسیاری از آیات و روایات و از ادله فقهی استنباط نمود. که در این نوشتار، برخی از مبانی آن را با این دیدگاه مورد دقت و بررسی قرار خواهیم داد.

#### ۱- محیط زیست و قرآن کریم

از بارزترین دلایل بر اهتمام قرآن کریم به محیط زیست، نام‌های سوره‌ها است؛ به نحوی که سوره‌های بقره، انعام، فیل و عادیات از نام‌های حیوانات و سوره‌های نحل، نمل، عنکبوت از حشرات و سوره تین از نباتات و سوره حدید از معادن می‌باشد. هم‌چنین سوره‌های رعد، ذاریات، نجم، فجر، شمس، لیل، ضحی، عصر، طور، بلد، احقاف، حجر و کهف از مظاهر طبیعت و اماکن می‌باشد.

عنایت قرآن به محیط زیست با توجه به این نام‌گذاری‌ها روشن بوده و حتی خداوند به برخی از این نام‌ها قسم هم یاد می‌کند.

بنابراین، چنین نام‌گذاری‌هایی برای سوره‌های قرآن، به‌انسان از طریق راهنمایی و الهام می‌فهماند که چه ارتباطی با محیط خود دارد و نباید از آن غفلت ورزد. (قضاوی، ۲۰۰۱: ۵۵) علاوه بر این، تعداد زیادی از آیات نیز دلالت بر عنایت قرآن کریم به محیط زیست و عناصر آن دارد.<sup>۱</sup>

۱. از جمله به آیات: ۲۹ و ۲۰۵ بقره؛ ۵۵ تا ۵۸ و ۱۰، ۳۱، ۸۵ و ۹۶ اعراف؛ ۶۱ هود؛ ۳۰ انبیاء؛ ۳۲ و ۳۳ ابراهیم؛ ۱۵ تا ۲۰ نوح؛ ۴۸ و ۴۹ فرقان؛ ۱۹ و ۲۰ حجر؛ ۳۳ تا ۳۵ و ۸۰ یس؛ ۳ تا ۸ و ۱۴ و ۹۷ نحل؛ ۶۸ نمل؛ ۴۵ فاطر؛ ۴۱ و ۵۰ روم؛ ۱۲ و ۱۳ جاثیه؛ ۷ تا ۱۱ ق؛ ۷ تا ۹ الرحمن؛ ۲۲ ذاریات؛ ۳۰ تا ۳۲ نازعات

هم چنین در قرآن، آیات زیادی وجود دارد که در آن‌ها، خداوند به عنوان تنها خالق هستی معرفی شده است.<sup>۱</sup> این حقیقت در حالی است که طبق آموزه‌های اسلام، خداوند نه تنها خالق هستی است بلکه محیط بر آن و همه چیز محاط خداوند است. برای مثال، آیه ۹۲ سوره هود، آیه ۱۲۶ سوره نساء و آیه ۵۴ سوره فصلت بر محیط بودن خداوند بر همه چیز دلالت دارند.

برخی از اساتید نیز واژه "المحیط" در قرآن را یکی از تعبیرهای نزدیک به واژه محیط زیست دانسته و از آن به عنوان نقطه آغاز هر گونه تلاش برای شناخت دیدگاه اسلام نسبت به محیط زیست و تعامل انسان با آن یاد می‌کنند. (محقق داماد، ۱۳۷۳: ۷۸)

بنابراین، در این دیدگاه خداوند خالق و نگه‌دار زمین است؛ لذا مراقبت از محیط زیست، مراقبت از چیزهایی است که متعلق به خداوند است و انسان به دلیل مسئولیتی که در برابر خداوند دارد، نسبت به محیط زیست نیز مسئولیتی ویژه دارد. چنین مسئولیتی مستلزم این است که در هنگام تصمیم‌گیری درباره‌ی محیط زیست، پیامدهای ممکن بر سایر موجودات نیز نادیده گرفته نشود؛ چرا که تمامی اجزاء طبیعت به دلیل ارتباط با خداوند از ارزش برخوردار بوده و انسان وظیفه دارد تا از آن‌ها مراقبت نماید.

بر این مبنا، انسان باید بر آن چه که خداوند او را نسبت به آن مکلف ساخته، آگاهی یابد و به دستورات خداوند درباره‌ی چگونگی رفتار با محیط زیست عمل نماید؛ چرا که شناخت اصول زیست‌محیطی و تحصیل آن و پرهیز از تخریب آن و سعی در سالم‌سازی آن، از بارزترین حقوق انسانی و نیز از روشن‌ترین تکالیف بشری به‌شمار می‌آید. (جوادی، ۱۳۸۸: ۸۴)

در رابطه با مسئولیت انسان هم، خداوند اهمیت حقوق و اموال و مصالح اجتماعی و منافع عمومی را متذکر شده و کلیات و اصول آن را بیان نموده است. از مجموع مقررات اسلام استفاده می‌شود که حقوق اسلام ضمن حمایت از جان، مال، آبرو و کلیه‌ی حقوق انسان‌ها و هم‌چنین حقوق دیگر عناصر طبیعت، همه را نیز به رعایت این حقوق مکلف

۴ تا ۲۴ و ۳۲ عیس؛ ۷ و ۸ نبأ و... می‌توان اشاره نمود.

۱. برای مثال می‌توان به آیات، ۱۸۵ سوره اعراف؛ ۱۰۱ سوره انعام؛ ۴۵ سوره نور و ۴ سوره سجده اشاره کرد.

کرده است؛ یعنی علاوه بر حکم تکلیفی و حرمت ضرر رساندن به دیگران، در صورت ایراد زیان، به ثبوت اعتباری زیان‌های وارده در ذمه‌ی فاعل زیان نیز حکم نموده است. (گرچی، ۱۳۶۹: ۲/۲۵۸)

بنابراین، قرآن کریم از سویی رعایت تمامیت جسمی افراد و عدم تعرض به جان و سلامتی انسان‌ها را متذکر شده و کشتن افراد و ضرب و جرح آن‌ها را، مستوجب مسئولیت مدنی و کیفری دانسته است؛ به نحوی که می‌فرماید: «هرکس به نفسی اهانت کند و موجبات تعرض به جان و سلامتی انسان‌ها را فراهم نماید، مانند آن است که به حیات همه‌ی انسان‌ها اهانت نموده و موجبات از بین رفتن حرمت آن‌ها را فراهم کرده است.» (مائده/ ۳۲)

و هم‌چنان که جان و سلامتی انسان‌ها محترم است، مطابق با قاعده احترام، اموال و حقوق آن‌ها نیز دارای احترام است؛ چرا که حرمت مال مؤمن همانند حرمت خون او است.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، خداوند در آیات متعددی نعمت‌های الهی و عناصر زیست محیطی را بیان فرموده و حفاظت و مراقبت از آن‌ها را برای بقاء نسل انسانی و داشتن محیط زیست سالم متذکر شده است و معصومین علیهم السلام نیز در احادیث متعددی، رعایت حقوق این عناصر را یادآوری نموده‌اند. از این رو، عدم رعایت این حقوق و مراقبت نکردن از عناصر زیست محیطی و اقدامات تخریبی و آلوده ساختن محیط زیست، مسئولیت‌آور و موجب ضمان است.

هدف اصلی حقوق اسلام هم از ایجاد مسئولیت و ضمان، جبران زیان‌های وارده و برقراری قسط و عدالت اسلامی است.

### محیط زیست و آیات مربوط به آن

اینک به این دلیل که در این نوشتار، مجالی برای بررسی همه‌ی آیات مربوط به

---

<sup>۱</sup> امام باقر علیه‌السلام از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌نقل فرموده که آن حضرت فرمودند: «سَبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ وَ قِتَالَةٌ كُفْرٌ وَ أَكْلٌ لَحْمِهِ مَعْصِيَةٌ وَ حُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ»؛ «ناسزا گفتن به مؤمن فسق است و جنگ با او کفر است و خوردن گوشت او گناه است و احترام مال او همانند احترام خون او است.»، شیخ حرعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۸، باب تحریم اغتیب المؤمن و لو کان صدقا، ح ۱۲، ص ۵۹۹.

عناصر زیست محیطی وجود ندارد، چند آیه از آیات مربوط به مسائل کلی زیست محیطی را مرور خواهیم نمود.

۱- « وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ  
الْفُسَادَ » (بقره/۲۰۵)

« و چون برگردد کوشش می کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تبهکاری را دوست ندارد. »

علامه طباطبائی از تفسیر "الذّرالمثثور" نقل می کند که این آیه درباره اخنس بن شریق ثقفی که هم پیمان بنی زهره بود نازل شده است. وی در مدینه به خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسید و تظاهر به اسلام کرد و سپس از حضور پیامبر بیرون آمد و در بین راه به کشتزار و چند حیوان متعلق به مسلمانان برخورد کرد و زراعت را آتش زد و پای حیوانات را قطع کرد. (طباطبائی، ۱۳۹۳: ۹۹/۲) ایشان در تفسیر "ویهلك الحرث والنسل" می گوید: «ظاهراً این قسمت آیه، قسمت قبل یعنی "لیفسد فیها" را تفسیر می کند؛ یعنی با از بین بردن حرث و نسل، افساد در زمین انجام می شود؛ زیرا قوام نوع انسان و حیات و بقاء او به دو چیز یعنی تغذیه و توالد و تناسل وابسته است. بدون این دو رکن، نوع بشر نمی تواند در زمین زنده بماند و تغذیه انسان نیز به اتکاء حیوان و نبات صورت می گیرد و تغذی حیوان هم از راه نباتات واقع می شود. پس اصل در تغذیه، نباتات است که باید از راه زراعت و حفاظت از آن تأمین شود. از این رو افساد در زمین از طریق اهلاک حرث و نسل انجام می گیرد.» (همان/ ۹۶)

افساد در مقابل اصلاح و به معنای ایجاد فساد و تباهی (قرشی، بی تا: ۱۷۴/۵) و اخلال است، خواه در تکوینیات باشد، مانند قتل نفوس به غیر حق و ظلم به مردم و محاربه با اهل حق و کفر به خدا و رسول او، و خواه در تشریعیات، مانند اخلال نمودن در احکام الهی و مقررات دینی و نظم. (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۳۸۴/۸) فساد هم خارج شدن از حالت اعتدال است. (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۲۱۶/۳) به دیگر سخن، فساد اختلال در طبیعت و نظم حاکم در خلقت و تکوین اشیاء است، به گونه ای که نفع طبیعی که انتظار از هر چیزی به حسب خلقتش برده می شود زایل گردد. (مصطفوی، ۱۴۰۲: ۲۶۲/۵) بنابر این، طبق نظر

مفسرین (قرطبی، ۱۴۰۵: ۲۲۶/۷؛ طیب، ۱۳۷۸: ۳۴۳/۵؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۲۴۰/۸) وقتی که قرآن کریم می‌فرماید: «ولانفسدوا فی الارض بعد اصلاحها» (اعراف/۵۶)، معلوم می‌شود که از بین بردن اموال و یا غارت آن‌ها که منجر به تباهی زمین می‌شود بدون تردید جزو مصادیق افساد در زمین خواهد بود.

هم‌چنین اهلاک به معنای از بین بردن حیات است و این معنا در هر موجودی که اثری از حیات در آن وجود داشته باشد، با ازاله آن مصداق پیدا کرده و عنوان هلاکت و منقضی شدن حیات در آن تحقق پیدا می‌کند. (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۶۸/۳) حرث هم به معنای زراعت و نسل نیز به معنی اولاد است و بر اولاد انسان و غیر انسان اطلاق می‌شود.

بنابر این، آیه فوق اطلاق داشته و اهلاک حرث و نسل و از میان بردن هر گونه موجود زنده، اعم از موجودات زنده نباتی یا حیوانی و یا انسانی را شامل شده و آن را از سوی هر کسی اقدام فسادانگیز می‌داند. (مکارم، ۱۳۷۴: ۷۴/۲)

از این رو، باید پذیرفت که تخریب منابع زیست محیطی نیز از آن‌جا که منجر به اهلاک و افساد می‌گردد، مصداق بارز افساد در زمین است.

هم‌چنین طبق ذیل آیه، هر گونه فسادی محبوب الهی نیست و اراده تشریحی خداوند به ضد آن تعلق گرفته است. چرا که، وقتی فساد و اختلال در مراحل زندگی مادی یا معنوی صورت بگیرد، برنامه زندگی انسان‌ها مختل و بی‌نتیجه خواهد بود. علاوه بر این، منظور خداوند در خلق و تقدیر و نظم و بعثت و کتاب و جعل مقررات و تربیت انسان‌ها بی‌فایده بوده و آن‌چه مطلوب است به دست نخواهد آمد. هم‌چنین جمله "والله لایحِب الفساد" از کلمات کوتاه و جامع قرآن است که در هر موردی که فساد و اختلال مادی، معنوی، انفرادی و اجتماعی صورت بگیرد صدق خواهد نمود. (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۷۰/۳)

این معنا به ضمیمه نهی‌ایی که در آیات دیگر (اعراف/۵۶ و ۸۵) وجود دارد، کبرای قیاس را تشکیل می‌دهد و نتیجه‌ی آن حرمت هر گونه اقدام تخریب‌کننده و ویران‌گر در محیط زیست می‌باشد.

بدین ترتیب، از دیدگاه اسلام، اهلاک و افساد عناصر زیست محیطی حرام بوده و حفظ محیط زیست واجب می‌باشد. (حسینی شیرازی، ۱۴۲۰: ۲۴) و از آن‌جا که زیان



رسانیدن و خسارت ممنوع می باشد، هر شخصی که به عناصر و منابع زیست محیطی خسارت وارد سازد و یا موجبات خسارت را فراهم سازد، مسئول جبران خسارات وارده خواهد بود؛ چرا که، تصرف و تعدی غیر مجاز نباید بدون تدارک و جبران باقی بماند.

برخی از فقیهان معاصر نیز در پاسخ به استفتائی که در خصوص حکم آلوده نمودن آب ها با استفاده از مواد مسموم کننده و میکروبی به منظور از بین بردن منابع طبیعی، کشتزارها و مزارع و هم چنین حیوانات اهلی و وحشی در بلاد کفر بدون وجود ضرورت شده است، چنین مرقوم داشته اند: «آلوده کردن آب ها، زمین ها و اتلاف حیوانات هر چند در بلاد کفر جایز نیست، بلکه مشمول آیه "و اذا تولی سعی فی الارض ... می شود؛ حتی در موارد جنگ نیز نباید مجاهدان متعرض درختان و حیوانات و... شوند.» (گنجینه / ۷۳۶۸)

ایشان برای پاسخ خود به دو روایت مسعده بن صدقه و ابی حمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷/۵ و ۲۹) استناد نموده و چنین بیان می کنند که: «و در هر حال، چنان چه منجر به خسارت به جان و مال محترم گردد ضمان هم دارد.» (گنجینه / همان)

بنابر این، با توجه به این که عناصر و منابع زیست محیطی از اموال عمومی محسوب می شود، خسارت به آن ها موجب ضمان و مسئولیت مدنی خواهد بود.

۱-۲- «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود / ۶۱)

«اوست که شما را از زمین پدید آورده و از شما خواسته است که در آن آبادانی کنید.» انشاء یعنی به وجود آوردن و رشد دادن شیئی و عمارت ضد خراب است و آن عبارت از این است که زمین را به حالتی درآورند که برای بهره برداری از منافعی که از آن انتظار می رود شایستگی پیدا کند، مانند آماده کردن خانه برای سکونت، مسجد برای عبادت، کشت برای درو و باغ برای چیدن میوه و گردش در آن.

و معنای استعمار، طلب و خواستن عمران و آبادی است؛ یعنی از انسان بخواهند که زمین را آباد و آماده بهره برداری از فوائد مطلوب آن کند (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۱/۱۰)؛ چرا که احیا نکردن و مصرف نکردن زمین در جهتی که برای آن آفریده شده است، کفران نعمت های خداوند است. (منتظری، ۱۴۱۵: ۱۴۹/۴) برخی هم گفته اند که معنای استعمار، امر به عمران و آبادی است. (زمخشری، بی تا: ۴۰۷/۲)

بر این اساس، آیه مبارکه بر وجوب عمران و آبادانی زمین با کشت و زرع و کاشت درخت و احداث بناها دلالت دارد؛ زیرا طلب مطلق از خداوند دال بر وجوب است. (قرطبی، ۱۴۰۵: ۵۵/۹)

بنابراین، عمران و آبادانی زمین و اصلاح و احیاء محیط زیست انسانی و طبیعی، تنها زمانی محقق می‌شود که کشت و زرع و نهال‌کاری و غرس اشجار و ساختمان‌سازی بر روی آن انجام گیرد و از هر گونه فساد و اخلال و بی‌نظمی اجتناب شود. (قرضاوی، ۲۰۰۱: ۲۴) از این رو، آیه کریمه به دلالت منطوقی بر لزوم اقدام به عمران و آبادانی و با ملازمه عقلی بر نهی از ضد آن، یعنی عدم عمران دلالت دارد و چون از عدم عمران نهی شده باشد، به اولویت قطعی تخریب و ویرانی زمین هم متعلق نهی شرعی خواهد بود.

۱-۳ «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم/ ۴۱)

«فساد و تباهی به واسطه اعمال خود مردم خشکی و دریا را فرا گرفت تا خداوند وزر و وبال برخی از رفتارها و باورهای نادرست مردم را به آنان بچشاند، باشد که بازگردند.»

ظاهر الفاظ این آیه عام بوده و مخصوص به یک زمان و یا یک مکان و یا یک واقعه خاص نیست. و منظور از "بر و بحر" همه‌ی کره زمین است و مراد از فساد در زمین، تمامی اشکال فساد است که نظام زندگی بشر را تهدید نموده و آن را در هم می‌ریزد، خواه مستند به سوء تدبیر بعضی از انسان‌ها باشد مانند جنگ‌ها و برداشت‌های ناصحیح از منابع، و خواه مستند به آن نباشد مثل زلزله و سیل و حوادث طبیعی. و تمام این فسادها که در زمین و در عالم پدید می‌آید، محیط زیست سالم را از بین می‌برد. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲۰۵/۱۶)

بنابراین، تخریب و آلوده نمودن محیط زیست انسانی و طبیعی و عدم پیش‌گیری از آن‌ها، از مصادیق فساد بوده و باعث می‌شود که تعادل و توازن محیط زیست به هم خورده و برکات نازل نشده (اعراف/ ۹۶) و انسان حیات طیب و پاکیزه را از دست بدهد (نحل/ ۹۷) و از محبت خداوند به واسطه افساد دور شود. (مائده/ ۶۴)

۱-۴ «كُلُّوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف/ ۳۱)

«از نعمت‌های خداوند بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد.»

در این آیه، دو امر اباحی و یک نهی تحریمی آورده شده است: به خوردن و آشامیدن اجازه داده و از تعدی در آن دو نهی می‌کند. (قرشی، بی‌تا: ۲۵۷/۳ و ۲۵۸)

بنابراین، این آیه و آیات دیگری که مربوط به اسراف و نهی از آن در قرآن کریم آمده است، همانند آیه ۱۴۱ سوره انعام، آیه ۶ سوره نساء، آیه ۶۷ سوره فرقان، آیه ۲۷ سوره اسراء، آیه ۱۵۱ سوره شعراء، آیه ۸۳ سوره یونس و آیه ۴۳ سوره غافر، جملگی دلالت بر حرمت اسراف دارند.

مرحوم نراقی در عوائدالایام می‌نویسد: «بحثی در حرمت اسراف نیست و اجماع قطعی، بلکه ضرورت دینی و آیات زیاد و روایات بسیار بر حرمت آن دلالت دارد.» (نراقی، ۱۳۷۵: ۶۱۵)

در حرمت اسراف هم تفاوتی بین اموال شخصی و اموال عمومی که متعلق به جامعه است نیست؛ بلکه اموال عمومی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا این گونه اموال در دست مسئولین به عنوان ودیعه و امانت است و تجاوز در آن خیانت محسوب می‌گردد. (منتظری، ۱۴۱۵: ۲۹۶)<sup>۱</sup>

از کلمات لغویین و مفسرین نیز چنین به دست می‌آید که یکی از معانی اسراف، تجاوز از حد و اعتدال است (نراقی، ۱۳۷۵: ۶۲۵ و قرشی، بی‌تا: ۲۵۷) و هم چنین اسراف، مقوله انفاق را نیز در برمی‌گیرد، (نراقی/۶۲۷) و در این مقوله نیز اسراف حرام است. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۶۴/۷)

پس در مقام افساد و تخریب هم باید گفت که اسراف صدق می‌کند؛ چرا که خداوند

---

<sup>۱</sup> ایشان در پاسخ به این استفتاء که «اگر دولت، استفاده از وسائل و امکانات و عناوین دولتی و دستگاه‌های وابسته به دولت را در تبلیغات انتخاباتی ممنوع کرده باشد و کاندیدایی برخلاف از همین راه استفاده کند، آیا نسبت به استفاده از وسائل و امکانات ضامن است یا نسبت به حقوق آینده نیز ضامن است؟» چنین جواب می‌دهد: «کرایه و خسارات وارده بر وسائل نقلیه و غیره را ضامن است، ولی عمل مذکور موجب حرمت حقوق آینده او نمی‌باشد.» استفتائات مسائل ضامن، مسأله ۴۸۵، صص ۲۰۷ و ۲۰۸.

در سوره شعراء با بیان نعمت‌ها و عناصر زیست محیطی و مسئولیت انسان در برابر آن‌ها و عدم اطاعت از اسراف‌کاران، می‌فرماید: «الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ وَ لَا يُصْلِحُونَ» (شعراء/۱۵۲)؛ به این معنا که اسراف فساد است و اسراف‌کار مفسد. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۳۵۵/۸)

بنابراین تخریب و آلوده ساختن منابع و عناصر زیست محیطی، در واقع تجاوز به حق حیات و داشتن محیط زیست سالم بوده و خود از مصادیق اسراف محسوب می‌شود که خداوند از آن نهی فرموده است.

از طرف دیگر، می‌توان بر این نظر بود که نهی و منعی که در این آیات آمده، مطلق بوده و هر دو حکم تکلیفی و وضعی را شامل می‌شود. به دیگر سخن، زیان رسانیدن به اشخاص و منافع عمومی حرام و ممنوع بوده و موجب ضمان و مسئولیت مدنی است. برای مثال، کسی که بیش از حد معمول از آب استفاده کند، هر چند که در راه نظافت و طهارت شرعی هم بوده باشد، مسرف بوده و مرتکب تعدی و ظلم شده است.<sup>۱</sup> و چنان چه این نوع استفاده منجر به خسارت دیگران شود، مانند این که حیوانات دیگری در اثر تشنگی تلف شوند و یا درختان باغ دیگری خشک شود، شخص ضامن است.<sup>۲</sup>

## ۲- سنت

از منظر روایات نیز مقوله‌ی محیط زیست و حفاظت و عدم تخریب و آلودگی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. دیدگاه معصومین علیهم‌السلام در روایات متعددی تجلی یافته است. در نگاه ایشان، انسان باید با محیط و آن چه که در پیرامون او قرار دارد

<sup>۱</sup> از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «میان‌روی چیزی است که خداوند آن را دوست می‌دارد و اسراف و زیاده‌روی را دشمن می‌دارد، حتی دور انداختن یک هسته را؛ زیرا آن به کار آید و حتی دور ریختن آبی که از نوشیدن افزون آمده است.»، محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۸، کتاب ایمان و کفر، بیروت، مؤسسه وفا، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۴۶.

<sup>۲</sup> آیه‌الله منتظری در پاسخ به این استفتاء که «آیا استفاده از وسایل و ابزار و درخت و گل‌ها و چمن‌های پارک‌ها به گونه‌ای که موجب خسارت شود، ضمان آور است؟» چنین جواب می‌دهد: «آن مقدار استفاده مجازی که مستلزم از بین رفتن قهری است موجب ضمان نیست و زیاده بر آن ضمان آور است.»، استفتانات مسائل ضمان، مسأله ۱۱۶، ص ۵۸.

تعامل داشته و با احسان رفتار نماید.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْأِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ؛ از واژه کتب، فرض بودن موضوع فهمیده می‌شود؛ زیرا در قرآن هم این واژه در آیاتی همانند «کتب علیکم الصیام» (بقره / ۱۸۳)، «کتب علیکم القصاص» (بقره / ۱۷۸) و «کتب ربکم علی نفسه الرحمة» (انعام / ۵۴) به این معنا آمده است. (قرضاوی، ۲۰۰۱: ۱۲۰)

بنابراین، نیکی و احسان و رفق و مدارا نمودن با تمام عناصر زیست محیطی از قبیل انسان، حیوان، نبات و جماد واجب است و کسی که احسان می‌کند مورد مهر و محبت الهی نیز قرار می‌گیرد؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره / ۱۹۵)؛ «نیکی و احسان کنید، به درستی که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.»

از طرف دیگر، همان‌گونه که احسان فرض است، از افساد و اتلاف عناصر محیط زیست هم نهی شده است. این مطلب از مضامین روایات بسیاری که چگونگی تعامل با حیوانات، گیاهان، زراعت، اشجار، آب و دیگر عناصر زیست محیطی را بیان کرده و رعایت حقوق آن‌ها را متذکر شده استفاده می‌شود که به چند نمونه از روایات مزبور اشاره می‌شود:

۱- در باب **جهاد** روایاتی آمده که نشان دهنده‌ی سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ‌ها و سفارش‌های ایشان به فرماندهان است که دلالت بر این دارد که در جنگ نباید رفتار غیرمتعارف داشت و همه چیز را تخریب و ویران کرد. از جمله این روایت از امام صادق علیه السلام که فرمود: «هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمانده‌ای را برای جنگ انتخاب می‌کرد او را سفارش به تقوا می‌نمود و سپس می‌فرمود: «... و لاتحرقوا النخل و لاتغرقوه بالماء و لاتقطعوا شجرة و لاتحرقوا زرعاً لاتدرون لعلکم تحتاجون الیه و لاتعقروا من البهائم ممّا یؤکل لحمه الا ما لا بدّ من اكله...» (حر عاملی، بی تا: ۱۱ / ۴۳ و ۴۴)؛ به این مضمون که از آتش زدن درختان و نخل‌ها و زراعت خودداری نموده و از پی نمودن چهارپایان پرهیزید و آب‌ها را آلوده نسازید.

۲- در باب **حیوانات** و حقوق آن‌ها و وظایف و مسئولیت انسان در برابر آن‌ها نیز روایات زیادی نقل شده است از جمله: حضرت علی علیه السلام در نامه ۲۵ در دستورالعملی

که به مأموران جمع‌آوری مالیات می‌دهد، می‌فرماید: «هرگاه حیوانات را به دست فردی امین سپردی به او سفارش کن تا بین شتر و نوزادش جدایی نیفکند و شیر او را ندوشد تا به بچه‌اش زیانی وارد نشود.

در سوار شدن بر شتران عدالت را رعایت کند و مراعات حال شتر خسته یا زخمی را که سواری دادن برای او سخت است بنماید. آن‌ها را در سر راه به دورن آب ببرد و از جاده‌هایی که دو طرف آن علف‌زار است به جاده بی‌علف نکشاند و هر چند گاهی شتران را مهلت دهد تا استراحت کنند و هرگاه به آب و علف‌زار رسید، فرصت دهد تا علف بخورند و آب بنوشند.» (صبحی، ۱۳۸۷: ۳۸۱ و ۳۸۲)

در جای دیگر حضرت می‌فرماید: «اتقوا الله فی عبادة و بلادة فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم» که علامه مجلسی در شرح آن چنین می‌نویسد: «سؤال از زمین‌ها، این که چرا این زمین را ویران و دیگری را آباد کردید و چرا خداوند را در آن نپرستیدید و سؤال از چهارپایان، این که چرا آن‌ها را گرسنه رها کردید و به درد آوردید و رعایت حق‌شان نکردید.» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۵/۲۹۰)

در روایاتی هم کشتن حیوانات (عاملی، ۱۴۱۳: ۱۶/۲۴۷) و حتی کشتن حشرات مانند زنبور نهی شده است. (عاملی، ۳۸۲/۹) و هم چنین هر گونه اذیت و آزار حیوانات و قطع اعضای آن‌ها مورد نهی واقع شده است که فقیهان در این مورد، دیه جنایت بر حیوان را ثابت دانسته‌اند. (موسوی خمینی، ۱۴۰۸: ۲/۶۰۳)

بدین ترتیب، حق تمامیت جسمانی و حیات برای حیوانات نیز در اسلام محترم شمرده شده و کشتن آن‌ها بدون ضرورت مجاز نیست. برخی از فقیهان نیز با استناد به روایت مسعده بن صدقه از امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: «ولاتعقروا البهائم ما یؤکل لحمه الا ما لابد لکم من اكله» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۲۹)، چنین استدلال می‌کنند که هم چنان که زنان و کودکان دشمن دارای حرمت و مصونیت است، حیوانات نیز به خاطر برخورداری از حرمت خاصی که خداوند در حق آنان لحاظ فرموده، بدون نیاز و ضرورت مشمول همان نهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خواهند بود. (حلی، ۱۴۱۴: ۷۱/۹) بنابراین، حیوان ذاتا دارای حرمت است و به همین جهت امر به انفاق بر حیوان شده و از اتلاف آن منع

گردیده است. (عاملی، بی تا: ۱۷۸/۱۲) و در صورت اتلاف، مشمول "افساد فی الارض" خواهد بود که مورد نهی قرآن قرار گرفته است. (ابن قدامه، ۱۳۶۲: ۵۰۹/۱۰)

۳- در باب احیاء و آبادانی زمین نیز در روایات بدان توصیه شده و از قطع نمودن درختان و آلوده ساختن آب‌ها نهی شده است.

حضرت علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر در دو جا او را به آبادانی شهرها و تلاش در آبادانی زمین توصیه می‌کند. (صبحی، ۱۳۸۷: ۴۲۷ و ۴۳۶) و در مورد درختان، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: درختان را قطع نکنید که عذاب خداوند بر شما نازل می‌شود. (حرعاملی، بی تا: ۱۹۸/۱۳) و هم‌چنین در روایات از احیای زمین‌های موات سخن به میان رفته است. (همان، ۳۲۶/۱۷) و حتی از آلوده ساختن زمین، هر چند که متعلق به مشرکین باشد نهی شده است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «در سرزمین مشرکین، سم نریزید.» (همان، ۴۶/۱۱)

بنابراین، احیاء زمین‌های موات به نص آیات و روایات و اجماع فقها و سیره عملیه جایز، بلکه مستحب است و نسبت به انجام آن تشویق شده؛ چون وسیله کسب روزی است که خداوند متعال در آیه شریفه «فامشوا فی مناكبها و کلوا من رزقه»؛ «بر کرانه‌های زمین گام بردارید و از روزی آن بخورید»، نسبت به آن دستور داده است.

از سوی دیگر، احیاء زمین موات، موجب خارج کردن آن از حالت بدون استفاده ماندن و تزییع مال می‌باشد. و چون خداوند متعال زمین و آنچه در آن است از معادن و آب‌ها را برای مردم آفریده است، پس احیا نکردن و مصرف نکردن آن در جهتی که برای آن آفریده شده است، کفران نعمت‌های خداوند است. (منتظری، ۱۴۱۵: ۱۴۹)

در روایت دیگری که از امام صادق علیه السلام نقل شده، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خصوص چاه‌ها و مراکز آبیاری نخلستان‌ها بین مردم مدینه حکم فرمودند که مالک چاه‌های آب نباید از استفاده و بهره‌برداری دیگران از زیادی آب چاه‌ها ممانعت کنند. و در مقام صدور حکم در بین بادیه‌نشینان فرمودند که نباید جلوگیری از باقیمانده آب شود؛ زیرا از باقیمانده گیاهان جلوگیری می‌شود. (حرعاملی، بی تا: ۳۳۳/۱۷)

به بیان دیگر، نباید استفاده دیگران از آب‌های اضافی منع شود که در نتیجه استفاده از

چراگاه ممنوع شود. البته در این روایت، لاضرر و لاضرار مستند حکم قرار گرفته است و قرائن نشان می‌دهد که در این مورد، زیان جنبه عمومی داشته است؛ یعنی جلوگیری از استفاده‌ی از آب اضافی موجب محرومیت همگانی از چراگاه و یا عدم رویش علوفه و گیاهان طبیعی می‌شده است.

پس اهتمام به احیای طبیعت و آبادانی و بهره‌مندی از محیط زیست سالم مورد عنایت شریعت بوده و باید به آن توجه ویژه شود.

بنابراین، از روایات چنین استفاده می‌شود که انسان در قبال پدیده‌های طبیعت و عناصر زیست محیطی مسئولیت داشته و باید از تخریب و آلوده ساختن محیط زیست جلوگیری نموده و به حفاظت از محیط زیست و احیاء آن به عنوان یک تکلیف نگاه نموده و هر جا خسارتی وارد شده آن خسارت را به نحوی جبران نماید. چرا که، این نوع اقدامات جایز نبوده و موجب اضرار می‌شود. (ابن قدامه، ۱۳۶۲: ۵۱۰)

بر همین اساس، باید عناصر زیست محیطی و حقوق مربوط به آن را شناخت؛ چرا که، «در ادیان الهی شناخت اصول زیست محیطی و تحصیل آن و پرهیز از تخریب آن و سعی برای سالم‌سازی آن، از بارزترین حقوق انسانی و نیز از روشن‌ترین تکالیف بشری به شمار می‌آید، تا نشاط جامعه همراه با سلامت آن و خرمی افراد، همراه با صحت آنان تضمین شود. به همین منظور، هم از آلوده نمودن هوا، کوی و برزن و اماکن عمومی تحذیر و نهی شده، هم چنین اگر رخداد تلخی مشاهده شد، برای برطرف کردن آن، ترغیب و امر شده است.» (جوادی، ۱۳۸۸: ۸۴ و ۸۵)

هم چنین این موضوع در تمام ابواب فقهی قابل مشاهده است، به گونه ای که دیدگاه اسلام در زمینه محیط زیست در ابواب طهارت و پاکی و پاکیزگی‌ها، نماز و احکام مربوط به آن، حج و تحریم صید و قطع نباتات، معاملات و احیاء موات و مزارعه و مساقات، جهاد، لقطه، صید و ذباحت و حتی در باب حدود و دیات به نمایش گذاشته شده است و می‌توان از این ابواب فقهی، مباحث متنوع و مرتبطی را یافت.

برای نمونه، برخی از فقیهان موضوع طبیعت و محیط زیست را در باب جهاد مورد توجه قرار داده و با استناد به آیه ۲۰۵ سوره بقره روایت ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه



السلام (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷/۵)<sup>۱</sup> بر این اعتقادند که قطع درختان و تخریب مزارع دشمن جایز نیست مگر این که ضرورت و حاجت شدید آن را اقتضا نماید. (حلی، ۱۴۱۴: ۷۲/۹)

در مقابل، عده ای از فقیهان نیز با عنایت به آیه ۵ سوره حشر و شأن نزول آن و هم چنین روایت ابو حمزه ثمالی بر کراهت این امر تصریح نموده اند؛ زیرا معتقدند که نهی در این روایت قاصر از افاده حرمت بوده و متبادر از آن کراهت می باشد. (حلی، ۱۴۰۸: ۲۸۲/۱ و ۲۸۳؛ عاملی، بی تا: ۳۹۲/۲)

با وجود این، برخی از مفسران معاصر در خصوص آیه ۵ سوره حشر بیان می کنند که این حکم یک استثنا در قانون معروف اسلامی است که می گوید به هنگام حمله به دشمن، نباید درختان را قطع نمود و حیوانات را کشت و مزارع را آتش زد. این تنها مربوط به موردی بوده است که برای بیرون کشیدن دشمن از قلعه و یا فراهم ساختن میدان جنگ و مانند آن ضرورت داشته و در هر قانون کلی، استثنائات جزئی ضروری غالباً وجود دارد؛ همان گونه که اصل کلی بر نخوردن گوشت مردار است ولی به هنگام اجبار و اضطرار، اکل میته مجاز است. (مکارم، ۱۳۷۴: ۴۹۶/۲۳)

مرحوم صاحب جواهر نیز برای اثبات بیان محقق حلی روایاتی ذکر نموده است (نجفی، ۱۳۷۳: ۶۷/۲۱)؛ از جمله این که، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که لشکری را برای جهاد می فرستاد، فرمانده لشکر را دعوت می کرد و او را در کنار خود می نشاند و یارانش را در مقابل خود قرار می داد و سپس می فرمود: به نام خداوند و به یاری او و در راه خدا و بر دین رسول خدا به سوی جهاد حرکت کنید و پیمان شکنی نکنید و به زنجیر نکشید و مثله نکنید و هیچ درختی را قطع نکنید مگر این که ناچار شوید و اشخاص پیر، فرتوت و بچه ها و زنان رانکشید.» (حرعاملی، بی تا: ۵۸/۱۵)

در جای دیگر نیز روایت شده است که امام صادق علیه السلام فرمودند: «درختان را قطع نکنید که خداوند بر شما عذاب می فرستد.» (همان، ۱۳/۱۹۸)

۱. «... و لا تقطعوا شجرا الا ان تضطروا اليها...».

امام باقر علیه‌السلام از امیرالمؤمنین نقل نموده اند که حضرت فرمود: «کسی که آب و خاکی بیابد و با وجود آن فقیر باشد (زراعت نکند)، خداوند او را از رحمت خود دور گرداند.» (همان، ۱۷ / ۴۱) بنابراین هر ملتی که آب و زمین کشاورزی به اندازه کافی دارد ولی آب‌ها را مهار و زمین را اصلاح نکند و در اثر کم کاری یا بد کاری محتاج گردد از رحمت حق دور خواهد بود. (جوادی، ۱۳۸۸: ۳۶)

و پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله فرمودند: «هر گیاهی که کاشته می‌شود، فرشته‌ای نگهبان آن می‌شود تا زمانی که به ثمر برسد. پس هر کس آن را زیر پا له کند، فرشته نگهبان او را لعنت می‌کند.» (محمدی، ۱۳۷۵: ۹۵/۱)

بنابراین، بر اساس دیدگاه فقیهان، تخریب محیط زیست و عناصر و منابع آن بدون این که وضعیت‌های خاص آن را اقتضا نماید جایز نیست؛ زیرا هر اقدامی که مصداق تجاوز از حدود الهی باشد موجب افساد و اسراف خواهد بود.

علاوه بر این، محیط زیست صرفاً به عنوان احکام با فقه ارتباطش محدود نمی‌شود بلکه با اصول و قواعد فقهی نیز اتصالی عمیق دارد. این اصول و قواعد در چهره‌ی قواعدی چون اتلاف، تسبیب، لاضرر و ... تجلی یافته است که بخشی دیگر از مبانی فقهی محیط زیست را تشکیل می‌دهد.

گذشته از ارتباط محیط زیست با علم فقه، آن با علوم دیگر همچون علم توحید و اصول دین نیز مرتبط است. پیوند محیط زیست با علم توحید از این جهت است که تمامی عناصر زنده و غیر زنده، عاقل و غیر عاقل، خداوند را سجده و تسبیح می‌کنند و در مخلوق خدا بودن با انسان مشترک‌کنند.

طبق آموزه‌های اسلام، خداوند نه تنها خالق هستی است بلکه محیط بر آن و همه چیز محاط خداوند است. برای مثال، آیه ۱۱۵ بقره، آیه ۹۲ سوره هود، آیه ۱۲۶ سوره نساء و آیه ۵۴ سوره فصلت بر محیط بودن خداوند بر همه اشیاء و امور دلالت دارند. این نشان از آن دارد که خداوند محیط زیست حقیقی است و بشر همواره در چنین محیطی غوطه ور است؛ یعنی بدون آن که بحث همه‌خدایی و یا وحدت وجود مورد نظر باشد، می‌توان گفت که محیط زیست فعلی ما همان محیط الهی است. منتهی انسان از این امر آگاه نیست

یا بدان توجه ندارد. بحران و تباهی محیط زیست از آن جا ناشی می شود که آدمی از قداست محیطی که در آن زندگی می کند غفلت می نماید. از دیدگاه بشر امروز، محیط زیست او جدا و مستقل از وی و حتی از محیط الهی انگاشته شده است.

بیان عالمان این است که شریعت برای حفظ مصالح بندگان در زمینه های زندگی دنیا و آخرت آمده است و مقاصد شریعت پنج چیز است که ضروریات خمس نامیده می شود. آن ها عبارتند از: حفظ دین، حفظ نفس، حفظ نسل، حفظ عقل و حفظ مال. (قرضاوی، ۲۰۰۱: ۴۲) از آن جا که آن چه در آسمان و زمین است در تسخیر انسان قرار داده شده است (جائیه / ۱۳) و زمین نیز ملک خداوند است و انسان خلیفه ی او در روی زمین است ، لذا تکلیف دارد تا عدل و احسان را رعایت نموده و احکام الهی را پیاده نماید ؛ زیرا خداوند می فرماید : «به درستی که زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگانش بخواهد به میراث می دهد.» (اعراف / ۱۲۸)

هم چنین در راستای این تکلیف الهی، خداوند از فساد و تخریب زمین نهی فرموده و می فرماید: «در زمین بعد از اصلاحش، افساد نکنید و او را با خوف و طمع بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.» (اعراف / ۵۶) در این آیه ، نهی از فساد در زمین همانند آلوده کردن محیط زیست و اخلال در هماهنگی آن را، قرین و همراه با دعای با حالت خوف و طمع قرار داده است که این آیه ربط بین عبادت و اعمال را می رساند.

بنابراین ، حفاظت از محیط اولین چیزی است که داخل در حفاظت دین می شود که ضرورت اولی است. ظلم بر محیط با دستورات خداوند به انسان راجع به مخلوقات پیرامونش در تعارض است. به همین جهت تجاوز به محیط زیست و عدم رعایت مسائل زیست محیطی با امر دین داری منافات دارد؛ زیرا آن منافی با عدل و احسانی است که خداوند به آن امر فرموده است. (نحل / ۹۰)

هم چنین خسارت بر محیط با جانشینی انسان بر روی زمین منافات دارد؛ زیرا زمین، زمین خدا و ملک اوست و اوست که انسان را جانشین خود قرار داده است، پس باید به احکام و روش های او عمل شود. لذا روا نیست که انسان جانشینی خود در ملک خدا را فراموش کند و به گونه ای در زمین تصرف کند که گویی او مالک است. به دیگر سخن،

«فرهنگ زیست محیطی بامقام برین جانشینی خدا آمیخته است. آن کس که به جای پالایش هوا، آن را می‌آلاید و عوض مرمت زمین، آن را ویران می‌کند و به جای غرس نهال، به قطع درخت می‌پردازد و به جای سالم سازی دریا و صحرا، از آلوده کردن آن‌ها ابایی ندارد، چنین فارغ بی‌فروغی، بی‌دریغ دروغ می‌گوید و عنوان باشکوه خلافت را همانند محیط زیست آلوده کرده و به غارت می‌برد.» (جوادی، ۱۳۸۸: ۴۱)

بنابراین، نقش انسان در محیط زیست نقش اساسی و تعیین کننده است؛ به طوری که، کلیه چیزهایی که در محیط زندگی به عنوان تشکیل دهنده و اساس مطرح‌اند، رام و مسخر انسان‌اند و او متعهد است که به گونه‌ای با این امکانات رفتار نماید که روش‌ها و سنت‌های خدا را در خلقتش مورد جفا قرار ندهد و به حفاظت از محیط زیست نه به عنوان ابزار، بلکه به منزله یک تکلیف الهی بنگرد. بنابراین از دیدگاه اسلام، اهلاک و افساد عناصر زیست محیطی حرام بوده و حفظ آن‌ها واجب می‌باشد. (حسینی، ۱۴۲۰: ۲۴)

هم‌چنین انسان وظیفه دارد که به احکام خدا عمل نماید، پس باید از شرع کسب تکلیف نموده و به موجودات و مخلوقات پردازد و حق‌شان را رعایت نماید تا حق خودش به دست آید. و این چرخه انسانی در سه مسئله مهم و اساسی متبلور می‌شود که اهداف بزرگ زندگی انسانی محسوب می‌شوند.

۱ - عبادت خداوند که در سوره ذاریات به آن اشاره شده است: «جن و انس را جز برای عبادتم نیافریدم.» (ذاریات / ۵۶)

و عبادت هم شامل کلیه آن چه محبوب خداست می‌شود. کلیه اعمال و اقوالی که خداوند دوست دارد و می‌پسندد که آن شامل کلیه فرصت‌های زندگی می‌گردد.

۲ - جانشینی برای خدا روی زمین که سوره بقره و صاد به آن اشاره دارد. (بقره / ۳۰ و ص / ۲۶)

۳ - آبادانی و عمران زمین، که خداوند می‌فرماید: «او شما را از زمین آفرید و شما را به آبادانی در آن واداشت.» (هود / ۶۱)

و آبادانی زمین وقتی تحقق پیدا می‌کند که اصلاح و احیاء صورت پذیرد و از هرگونه فساد و اخلال و بی‌نظمی دوری شود.

این اهداف و مقاصد همگی با هم تداخل دارند و هم‌دیگر را کامل نموده و با هم ملازمه دارند؛ به طوری که، آبادانی زمین در جانشینی انسان دخیل و سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده است و در اصل، جانشینی و عبادت و آبادانی نوعی عبادت خدایند گویا این که، عبادت هم در خلافت دخیل است و اساساً خلافت بی عبادت امکان ندارد.

از این رو، اگر انسان به این چرخه و گردش بپردازد و اجرایش کند و این اهداف و مقاصد را محقق سازد، هم خودش سعادت‌مند می‌شود و هم پیرامونش را به سعادت می‌رساند و مردم از برکات آسمان و زمین استفاده خواهند کرد، چنان که خداوند می‌فرماید: «اگر اهل شهرها ایمان آورده و پرهیزکار می‌شدند هر آینه برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم.» (اعراف / ۹۶)

و یا می‌فرماید: «هر کس خواه زن یا مرد، عمل نیک انجام دهد و مؤمن هم باشد، پس ما او را زندگانی پاکیزه‌ای عطا خواهیم نمود.» (نحل / ۹۷)

و اما یکی دیگر از مقاصد شریعت، حفظ نفس و نسل است که مقصود از آن، محافظت از حیات بشری و سلامت او و بقاء نوع انسانی در روی زمین است؛ زیرا خداوند در برخی از آیات به آن اشاره داشته و می‌فرماید: «هر کس که انسانی را به قتل برساند و یا در زمین فساد کند، همانند این است که همه‌ی انسان‌ها را مورد تعرض قرار داده و حیات بشری را به خطر انداخته است و هر کسی که انسانی را احیا کند و از شرایط زیستی او محافظت کند، مانند آن می‌ماند که همه‌ی انسانها را احیا نموده و سلامت بشری را تضمین کرده است.» (مائده / ۳۲ و نساء / ۲۹)

بنابراین، آسیب‌های زیست محیطی می‌تواند منجر به هلاکت انسانها و از بین رفتن نسل آنها شود و هر کس اقدام به این امر نماید از جمله مفسدان خواهد بود. (بقره / ۲۰۵)

و منظور از مقاصد دیگر شریعت؛ یعنی حفظ عقل و مال این است که، چون عقل مناط خطاب و تکلیف در اسلام قرار می‌گیرد، باید محیطی سالم برای رشد و شکوفایی و تکامل آن فراهم آید تا انسان بتواند مسیر اصلی خود را پیدا نموده و به هدفی که خداوند مشخص کرده نائل آید. و حفظ مال برای این است که خداوند مال را، برای قوام معیشت انسان در این دنیا قرار داده است؛ زیرا می‌فرماید: «خداوند اموال را سبب برپایی زندگی

شما مردم قرار داده است.» (نساء / ۵)

بنابراین، آسیب‌های زیست محیطی و تخریب محیط زیست، مقاصد پنج‌گانه فوق را از بین می‌برد و توازن زیست محیطی را بر هم زده و مانع شکوفایی و رشد استعدادها شده و موجبات هلاکت انسان و از بین رفتن نسل او را فراهم می‌سازد.

بالحاظ مطالب مذکور، می‌توان گفت که محیط زیست شامل کلیه موجودات اعم از جان‌دار و بی‌جان می‌شود. از این رو آن هم شامل طبیعتی می‌شود که خداوند آن را خلق نموده است و هم صنعاتی که انسان آن را ساخته است. لذا هم شامل محیط زمینی و هم محیط افلاکی می‌گردد.

هم‌چنین این محیط با تمام جوانب مختلف خود روی هم‌دیگر اثر می‌گذارند و هم‌دیگر را کامل می‌کنند و طبق روشی که خداوند در ذاتشان به ودیعت نهاده است با هم همکاری می‌کنند. همان‌گونه که خورشید از نور و گرمای خود، زمین را طوری بهره‌مند می‌سازد که بدون آن، زندگی قوام و سامان نمی‌یابد. هم‌چنین، ماه نورش را که از خورشید می‌گیرد به زمین می‌دهد، همان‌طور که در ظاهر جزر و مد تأثیر می‌گذارد و تمامی این‌ها برای خدمت به انسان است و به سبب همین‌هاست که خداوند بر بندگانش ممت نهاده است. (ابراهیم / ۳۳؛ یونس / ۵۰؛ اعراف / ۲۴)

پس آن چه در بحث محیط زیست دارای اهمیت است این است که، عناصر تشکیل‌دهنده آن، با هم همکاری نموده و هم‌دیگر را کامل می‌کنند و هر کدام چرخه خود را طبق خلقت خدایی طوری تنظیم می‌کنند که نه بر غیر خود ستم کنند و نه از دیگران ستم ببینند، بلکه به دیگران می‌دهند و از آنان می‌گیرند.

از این رو، باید در حق محیط زیست با تمامی عناصرش نیکی و احسان کنیم، احسان به انسان، احسان به حیوان، احسان به گیاه و روئیدنی‌ها، احسان به آب و هوا و...

با این نگاه به محیط زیست می‌توان به خداوند تقرب جست و با اصلاح محیط و حفاظت از منابع و ثروت‌های آن و جلوگیری از انواع خسارات و افساد در زمین، قصد قربت و عبادت نمود. به همین جهت باید گفت که محیط زیست ارزش ذاتی داشته و ارزش ابزاری صرف ندارد.

بنابراین، نگاه اسلام به طبیعت و محیط، اعم از جاندار و بی جان، عاطفی، اخلاقی، معنوی، هدایت گرانه و مسئولانه است و برخورداری از مواهب طبیعی نیز بر پایه‌ی اصولی متین، عادلانه، حکیمانه، متوازن و سازنده استوار گردیده است. هدف متعالی اسلام، برخوردار ساختن همه‌ی نسل‌ها از نعمت‌های الهی و ایجاد جامعه‌ای سالم و به دور از فاصله طبقاتی و مستعد برای رشد و شکوفایی است و الزامات شرعی برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی، با پرهیز از زیاده‌روی و مقید به عدم اضرار به غیر، فراهم آمده است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۲: ۲)

### نتیجه گیری

آن چه از این نوشتار حاصل می شود این است که، تخریب و آلودگی محیط زیست مانعی برای انسان در جهت راه جستن به عالم ملکوت و عبور از جهان مادی به درون پدیده ها و عمق و باطن آن ها است. بر این اساس، تعالیم و باورهای علوم دینی و وحیانی در رابطه با حوزه زیست محیطی، بیانگر این واقعیت است که، معرفی ارزش ها و ملحوظ داشتن آن ها، سیر تکاملی عالم وجود و از جمله انسان را تضمین می کند و برای وصول به هدف نهایی خلقت، که عبودیت خداوند است را تسهیل می کند. بدین ترتیب، برای رسیدن به این هدف والای خلقت، تبیین فعالیت های حیات انسان در رابطه با مسائل زیست محیطی از دیدگاه علوم وحیانی ضرورت می یابد.

## فهرست منابع

### قرآن کریم.

- نهج البلاغه للامام امیرالمومنین علیه السلام، الفه الشریف الرضی، ابن قدامه، عبدالله بن احمد، (۱۳۶۲)، *المغنی*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- امین زاده، بهناز، (۱۳۸۱)، *جهان بینی دینی و محیط زیست: درآمدی بر نگرش اسلام به طبیعت*، محیط شناسی، شماره ۳۰.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸)، *اسلام و محیط زیست*، قم، مرکز نشر اسراء.
- حسینی شیرازی، سیدمحمد، (۱۴۲۰)، *الفقه، البیئة، بیروت*، موسسه الوعی الاسلامی.
- حر عاملی، محمدبن حسن، (بی تا)، *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، (۱۴۱۴)، *تذکرة الفقهاء*، الطبعة الاولى، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- حلی، نجم الدین جعفر بن الحسن (محقق حلی)، (۱۴۰۸)، *شوابع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، الطبعة الثانية، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۸۲)، «همایش حقوق محیط زیست در ایران»، پیام به مناسبت برگزاری همایش.
- زحیلی، وهبة، (۱۴۱۸)، *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، بیروت - دمشق، دارالفکر المعاصر.
- زمخشری، محمودبن عمر، (بی تا)، *الکشاف*، نشر ادب الحوزه.
- شاه ولی، منصور، (۱۳۷۸)، *گفتنمان پایداری محیط زیست بین پراگماتیسم و دین اسلام*، تهران، کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست.
- صبحی، صالح، (۱۳۸۷)، بیروت، تهران، انتشارات وفا.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۳)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه اعلمی.
- طیب، سیدعبدالحسین، (۱۳۷۸)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام.
- عاملی، زین الدین بن علی بن احمد (شهید ثانی)، بی تا، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، تحقیق: سید محمد کلانتر، بیروت، دارالعالم الاسلامی.
- عاملی، زین الدین بن علی بن احمد (شهید ثانی)، (۱۴۱۳)، *مسالك الافهام*، موسسه المعارف



الاسلامیه.

قرائتی، محسن، (۱۳۸۲)، *تفسیر نور*، چاپ سوم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرضاوی، یوسف، (۲۰۰۱)، *رعاية البيئة فی شریعة الاسلام*، مصر، دارالشروق.

قرشی، سید علی اکبر، (بی‌تا)، *قاموس قرآن*، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیه.

قرطبی، محمد بن احمد، (۱۴۰۵)، *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت، مؤسسه تاریخ العربی.

کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، *الکافی*، الطبعة الرابعة، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

گرگی، ابوالقاسم، (۱۳۶۹)، *مقالات حقوقی*، انتشارات دانشگاه تهران.

*گنجینه استفتانات قضایی*، مؤسسه قضا.

محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۵)، *میزان الحکمة*، قم، انتشارات دارالحدیث.

محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۰)، *الهیات محیط زیست*، نامه فرهنگستان علوم، سال ۶، شماره ۱۷.

محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۷۳)، *طبیعت و محیط زیست از نگاه اسلام*، نامه فرهنگ، دوره ۴،

شماره ۱۳.

مصطفوی، حسن، (۱۳۸۰)، *تفسیر روشن*، تهران، مرکز نشر کتاب.

مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، مرکز کتاب لترجمه و

النشر.

موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، (۱۴۰۹)، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه

اهل البيت (ع).

منتظری، حسینعلی، (۱۴۱۵)، *دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة*، ج ۴، الطبعة الثانية، قم،

نشر تفکر.

منتظری، حسینعلی، (۱۳۷۵)، *استفتانات مسائل ضمان*، قم، ناشر: دفتر ایشان.

مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴)، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه وفا.

موسوی خمینی، روح الله، (۱۴۰۸)، *تحریر الوسیله*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

نجفی، محمدحسن، (۱۳۷۳)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

نراقی، ملا احمد، (۱۳۷۵)، *عوائد الایام*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.